

مرگ شهریار سنگور

لوران گوده

ترجمه پرویز شهدی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: گوده، لوران، ۱۹۷۲-م. Gaude, Laurent

عنوان و نام پدیدآور: مرگ شهریار سنگور / لوران گوده؛ ترجمه پرویز شهدی.

مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۳۳-۷۹-۲

وضعیت فهرست‌ریسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: *La mort du roi Tsongor: roman, c2002*

داستان‌های فرانسه- قرن ۲۰ م.

سرشناسه: گوده، لوران، ۱۹۷۲-م. Gaude, Laurent

شناخته‌افزا: شهدی پرویز، ۱۳۱۵-، مترجم

رده‌بندی سکره: PQ ۲۶۹۹/۳۵۴ ۱۱

رده‌بندی دیویی: ۲/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۹۹۲۱



■ مرگ شهریار سنگور

لوران گوده

آماده‌سازی و تولید:

طراحی و گرافیک: پرویز بیانی

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۵، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

هر گونه بهره‌برداری از کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

● تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

● طبقه دوم، تلفن، ۰۵ ۶۶۴۷۷۴

● www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

مقدمه مترجم

لوران گوده در نوشته‌هایش در خیال و واقعیت را با هم می‌آمیزد، در واقع ظاهر تخیلی داستان و شخصیت‌ها، نقاب است بر چهره‌شان که در پس رفتار و گفتارشان حقیقت‌های مخفی را آشکار می‌سازند. ادگار آلن پوهم دو قرن پیش از او، همین شیوه را به کار می‌برد، روشی که به آن تمثیلی یا نمادین می‌گویند. این روش به خاصیت دارد و چرا از زمان‌های دور، بسیاری از نویسندگان به آن متوسل شده‌اند، از کلیله و دمنه گرفته تا رمان دورنار و فابل‌های لافونتن؟ چون می‌دانیم که به مزاح یا طنز گفته می‌شود، حقیقت در آن به صورت مستقیم و آراسته شده و بسیار تأثیرگذارتر است. لافونتن در داستان بره و کدورت اولین حرفی که می‌زند این است: «دلیل شخصی قوی‌تر همیشه بهترین است» این تمثیل‌ها را در مثنوی معنوی به درخشان‌ترین و گسترده‌ترین وجه می‌بینیم.

گوده در مرگ شهریار سنگور همین نظر را دارد، در قالب داستانی

تخیلی پرده از روی «داستان دوستان موافق و یاران هم‌رنگ» کنار می‌زند تا قیافه حقیقی انسان‌ها را آن‌گاه که در معرض شهوت قدرت‌طلبی، مال‌اندوزی یا لذت‌های جسمانی قرار می‌گیرند، نشان دهد و بر ادعاهای تاریخ درباره شهریارانی که به غلط «دادگستر»، «ملت‌نواز» و «کشورگشایان بلندآوازه» خوانده شده‌اند، خط بطلان بکشد. چرا جای دوری برویم، در تاریخ خودمان از این «کبیرها» و «دادگرها» فراوان داریم که تاریخ‌نویسان، جنگ، کشتار و تجاوزشان را، خاک بران جزو افتخارات به شمار می‌آورند. شهریار سنگور افسانه‌ای، خوش می‌بالد که قلمرو ناچیز پدرش را به امپراتوری عظیمی تبدیل کرده، به حدود آن تا بی‌نهایت می‌رود. بیست سال جنگیده، یا در رنج آدم کشیده، شهرها را سوزانده و ویران کرده است. پس از مرگش به پسر که شش دست می‌دهد هفت آرامگاه به نشانه چهره‌های هفت‌گانه‌اش بست. این چهره‌ها به تدریج که از فرو شکوه و افتخارهای دروغین دور می‌شوند، به حقیقت‌هایی می‌رسند که تلخ و نفرت‌انگیزند، بوی تعفن و خونریزی و ظلم و بی‌رحمی می‌دهند.

لوران گوده برای هر بخش از داستان، هر شخصیت، با سرووضع‌های عجیب و غریب آن‌ها، در مکانی ناکجاآباد، تخیلی ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده ادعاهای پوچ و حقارت‌های انسان‌هاست. در خورشید خانواده اسکورتا هم که ترجمه آن را پیش از این کتاب ارائه دادم، همین روش را دارد. در دهکده‌ای دور افتاده، در آن سر دنیا، در سرزمینی خشک و سوزان، خانواده‌هایی را به تصویر می‌کشد که کینه و نفرت در هر طبقه و در هر لباسی حرف اول را می‌زند. شهریار سنگور نیز نشان همه بدنامان تاریخ را در خود دارد، از سزار و کالیگولا و نرون گرفته تا ناپلئون و سایر دیکتاتورهای دوران معاصر که چندان

از ما دور نبوده‌اند و به خاطر افکار جنون آمیزشان دنیایی را به خاک و
خون کشانده‌اند.

پ. ش